

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 6, Summer 2022, 309-332
Doi: 10.30465/crtls.2022.8037

A Critical Review on the Book
Commercial Law
(Volume I/ Merchants and Commercial Acts)

Majid Banaeioskoei*

Abstract

The distinction between civil and commercial practices and the identification of commercial activities and transactions have long been the source of many effects that have gradually been accepted in most legal systems in a codified form and also in the form of commercial laws. The book “*Commercial Law*”, Volume 1 has been compiled in accordance with the Iranian Commercial Code, stating the basics of commercial law and focusing on the rights and duties of businessmen, and identifying commercial practices for the undergraduate law course. The critique of the present book has been done using the known criteria and characteristics in order to evaluate the book and to identify its strengths and weaknesses in order to promote and improve the research. One of the most important shortcomings of the book is the lack of comprehensiveness of content and the weakness of analytical discussions, which has overshadowed the reasons for compiling the work. Since the book in question is one of the academic books, the need to complete and upgrade it will definitely be useful for both the author and the students. It is hoped that some issues will be modified in future editions.

Keywords: Generalities, Commercial Law, Critique, Evaluation, Form and Content of the Work.

* Assistant Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, banaeioskoei@gmail.com

Date received: 13-03-2022, Date of acceptance: 24-07-2022



نقد کتاب حقوق تجارت (جلد اول/ تجار و اعمال تجاری)

مجید بنایی اسکویی*

چکیده

تفکیک اعمال مدنی و تجاری و شناسایی فعالیت‌ها و معاملات تجاری از دیرباز منشأ آثار بسیاری بوده که به تدریج در اغلب نظام‌های حقوقی به صورت مدون و در قالب قوانین تجاری مورد پذیرش قرار گرفته است. کتاب حقوق تجارت (جلد اول) در بیان مقدمات حقوق تجارت و با تمرکز بر حقوق و تکالیف بازرگانان و شناسایی اعمال تجاری برای دوره کارشناسی حقوق و منطبق با قانون تجارت ایران تدوین شده است. نقد این کتاب با استفاده از معیارها و مشخصه‌های شناخته شده و به منظور ارزیابی اثر و شناسایی نقاط ضعف و قوت آن به منظور ارتقا و بهبود پژوهش انجام شده است. از مهم‌ترین نواقص کتاب می‌توان به فقدان جامعیت محتوایی و تاحدودی ضعف مباحث تحلیلی اشاره کرد که علل تدوین اثر را تحت الشعاع خود قرار داده است. از آن‌جاکه این کتاب یکی از کتاب‌های دانشگاهی است، تکمیل و ارتقای آن قطعاً هم برای نویسندگان و هم برای دانشجویان مفید خواهد بود. امید است در چاپ‌های بعدی برخی ایرادها رفع شود.

کلیدواژه‌ها: کلیات، حقوق تجارت، نقد، ارزیابی، شکل و محتوای اثر.

* استادیار حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، m.banaeioskoei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲



۱. مقدمه

از ابتدای پیدایش جوامع بشری دادوستد و فعالیت با زندگی انسان عجین بوده است. اگرچه دادوستد در مراحل اولیه بیش‌تر برای رفع حوائج شخصی انجام می‌شد، به‌تدریج با گسترش دامنه نیازمندی‌های انسان به حرفه‌ای دائمی تبدیل شد تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای جوامع بشری باشد. باوجوداین که دادوستد یا خریدوفروش از دیرباز مصداق بارز معاملات تجاری محسوب می‌شد، فعالیت‌های تجاری محدود به آن نیست و هر روز قلمرو اعمال تجاری درحال فزونی و دست‌خوش تغییر است.

حقوق مدنی، به‌منزله پایه حقوق خصوصی، سالیان متمادی بر روابط خصوصی اشخاص از جمله معاملات تجاری حاکم بوده است، اما به‌دلایلی مانند اصل سرعت، سهولت، اطمینان، و ... رشته‌های ذیل حقوق خصوصی از حقوق مدنی جدا شد و حتی در برخی مواقع به‌علت برخورد با نظم عمومی اقتصادی تحت‌تأثیر مقررات آمره حقوق عمومی قرار گرفته است.

هرچند تفکیک اعمال مدنی و تجاری و هم‌چنین شناسایی معاملات تجاری از دیرباز منشأ آثار عرفی بسیاری بوده که کم‌وبیش ضمانت‌اجراهایی متناسب، ولی بدون حمایت دولت به‌هم‌راه داشته است، به‌تدریج در اغلب نظام‌های حقوقی عرف‌های موجود، به‌منظور تنظیم و سامان‌دهی فعالیت‌های بازرگانان، به‌صورت مدون و در قالب قوانین تجاری موردپذیرش قرار گرفت. قانون‌گذار ایران نیز هم‌گام با دیگر نظام‌های حقوقی و با هدف تنظیم فعالیت‌های بازرگانی مقرراتی را درخصوص موضوع‌های تجاری وضع کرد. هم‌زمان با توجه مقنن به سامان‌دهی فعالیت‌های تجاری، نیاز به تربیت متخصصان آشنا به قوانین و عرف‌های تجاری بیش‌ازپیش در حوزه آموزش عالی احساس شد و ازاین‌رو، در دوره کارشناسی رشته حقوق، در جایگاه پایه یادگیری این رشته، چهار درس دو واحدی با عنوان «حقوق تجارت» به این رشته اختصاص یافت. یکی از درس‌های حقوق تجارت مصوب دفتر گسترش و برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (به‌منزله درس پایه و اصلی) به مفهوم و شناسایی تاجر و اعمال تجاری و موضوع‌های مرتبط اختصاص دارد که با عنوان «حقوق تجارت ۱» شناخته می‌شود. در مصوبه یادشده آمده است که هدف از ارائه این واحد درسی آشناکردن دانشجویان با فعالان صحنه بازرگانی، انواع قراردادهای تجاری، مسئولیت‌های ناشی از اعمال تجاری، خصایص، تکالیف، و حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی در موضوع حقوق تجارت است.^۱

اگرچه در سرفصل جدید درسی موضوع‌هایی در حوزه‌های مختلف از قبیل آشنایی با قراردادهای مرسوم و نوین تجاری، مالکیت‌های فکری اعم از صنعتی (حق اختراع، طرح‌ها، و ...) و تجاری (نام و علامت تجاری، حق کسب، پیشه، و ...) به چشم می‌خورد، هماهنگی معناداری بین قوانین و مقررات تجاری با سرفصل‌های مصوب وجود ندارد؛ چه از سوی، قانون تجارت ایران در سال ۱۳۱۱ به تصویب رسیده و جز در مورد شرکت‌های سهامی تقریباً دست‌نخورده باقی مانده است و از سوی دیگر، قوانین و مقررات دیگری هم که در حوزه‌های تجاری به تصویب رسیده بسیار پراکنده و ناهم‌گون است و در نتیجه، دستیابی به اهداف این رشته را به‌خوبی فراهم نمی‌کند.

صرف‌نظر از قدیمی بودن قانون تجارت، بسیاری از نویسندگان تلاش کرده‌اند مطالب حقوق تجارت را به‌روز کنند و ضمن بیان دستاوردهای دیگر کشورها، مطالب کامل و به‌روزتری ارائه دهند. از این‌رو، در این رشته کتاب‌های متعدد و متنوعی به‌منظور تدریس در دانشگاه‌ها و استفاده دانشجویان تهیه و تدوین شده است. کتاب موردبررسی، که موضوع نقد این مقاله است، از جمله این کتاب‌هاست که در اختیار جامعه علمی کشور قرار گرفته است.

بی‌گمان یکی از ملاک‌های ارتقای جامعه توجه به رتبه و جایگاه علمی و پژوهش‌های آن جامعه است؛ چه تولید علم و دانش فقط از طریق پژوهش و نشر دستاوردهای علمی حاصل نمی‌شود. ارزیابی^۲ محصولات علمی، اعم از محتوا و ساختار و بیان نقاط قوت و ضعف آن‌ها از عوامل مهم نهادینه کردن دانش و استفاده از آن است. علاوه بر این، نباید پنداشت که نقد و ارزیابی اثر فقط محصول این فرایند است، بلکه نتیجه وضعی این ارزیابی معرفی اثر به علاقه‌مندان و خارج کردن آن از گم‌نامی است (سلیمان‌زاده نجفی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۵).

اگرچه نقد کتاب در جامعه حقوقی کشور کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، بی‌تردید نقد علمی و عالمانه با معیارهای مشخص و قابل ارزیابی و هم‌چنین بدون پیش‌داوری در پویایی و ارتقای پژوهش‌های دانشگاهی بسیار مؤثر خواهد بود. برخلاف تصور رایج، نقد اثر علمی تخریب پژوهش انجام‌شده یا عرصه‌ای برای تاخت و تاز یک‌طرفه درباره زحمات پژوهش‌گر نیست، بلکه شناساندن کارهای علمی با ارزش به اهل مطالعه و درعین حال، تذکر نقاط ضعف و قوت اثر به نویسنده با هدف رفع نواقص و ارتقای نکات قوت آن است که در وهله اول باید محقق و خالق اثر از آن استقبال کند.

در این باره، سعی شده است داوری و ارزیابی کتاب حقوق تجارت ۱، که در برخی از دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه تهران، مورداستفاده دانشجویان و اهل مطالعه است، حتی‌الامکان با معیارها و شاخص‌های علمی و تجربه‌شده انجام شود، زیرا باوجود توسعه وسایل ارتباط جمعی و استفاده از فضای مجازی هم‌چنان کتاب‌های درسی رسمی‌ترین رسانه در حوزه دانشگاهی و علمی به‌شمار می‌روند و نقشی مؤثر و اساسی در انتقال علم و آموزش ایفا می‌کنند. حسب معمول کتاب درسی خصوصیات متنوع و ابعاد گوناگونی دارد و از این‌رو، قضاوت درخصوص هر اثری (از جمله کتاب یادشده) مستلزم ارزیابی همه‌جانبه اثر از ابعاد مختلفی مانند شکل، محتوا، زبان، ساختار، و روش است تا بتوان اظهار داشت که تلاش‌های انجام‌شده تا چه میزان به مطلوب موردنظر رسیده است (رضی ۱۳۸۸: ۲۱-۲۹).

۲. معرفی اثر، مؤلف، و علت انتخاب اثر

کتاب حقوق تجارت ۱ اثر علیرضا محمدزاده وادقانی است و چاپ اول آن در انتشارات مجد در سال ۱۳۸۹ بود و در سال ۱۳۹۱ برای نوبت دوم و تعداد هزار نسخه تجدیدچاپ شد.

این کتاب به‌تبعیت از برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی به‌تجار و اعمال تجاری اختصاص دارد. این اثر ۱۶۰ صفحه دارد و در سه بخش شامل کلیات، اعمال بازرگانی و بازرگان، الزام‌های بازرگان، و اعتبار دفاتر بازرگانی و در هشت فصل است که مطالب اصلی درس از صفحه یازده آغاز می‌شود و در صفحه ۱۵۰ پایان می‌یابد. از نظر کمی، در مقایسه با دیگر کتاب‌های مشابه این اثر تقریباً مناسب است. طرح روی جلد از شیوه معمول انتشارات مجد برای اغلب کتاب‌های حقوقی استفاده شده است با این توضیح که در سمت بالا عنوان کتاب و ذیل آن نام نویسنده و در طرف دیگر جلد کتاب مشخصات فوق به انگلیسی درج شده است. طرح جلد در دو رنگ سرمه‌ای و سفید، شومیز، و در قطع رقعی است.

علیرضا محمدزاده وادقانی دانشیار دانشگاه تهران است و تاکنون از او تألیف‌های متعددی در حوزه‌های مختلف حقوقی منتشر شده است که برای نمونه می‌توان به کتاب‌های حقوق تجارت ۱، حقوق تجارت ۲، گفتاری در حقوق بین‌الملل مؤلف، و حقوق

مجاور- حقوق تطبیقی اشاره کرد. هم‌چنین، از ایشان چندین جلد کتاب در حوزه‌ها، مجلات، و کتاب‌ها (مانند مجموعه مقالات حقوق جان‌مایه بقای اجتماع) نیز ترجمه شده است. ایشان از سال‌ها پیش به تدریس دروس حقوقی به‌ویژه «مقدمه علم حقوق»، «حقوق تطبیقی»، و «حقوق تجارت» در دانشگاه تهران اشتغال دارند.

درس «حقوق تجارت ۱» یکی از درس‌های پایه و اصلی دوره کارشناسی حقوق است. نظر به این‌که در اغلب موارد استاد هنگام تدریس تمایل دارد کتاب خود را، که پیش‌تر به رشته تحریر درآورده است، به‌منزله یکی (یا یگانه منبع) از منابع اساسی درس معرفی کند، دانشجویان نیز اقدام به تهیه کتاب و استفاده از آن می‌کنند و درظاهر نیز اثر به‌صورت پی‌درپی چاپ می‌شود. از این‌رو، در ارزیابی یک اثر فقط چاپ‌های مکرر نمی‌تواند نشان از قوت اثر باشد، مگر آن‌که با معیارهای علمی مشخص و شفافی مورد داوری قرار گرفته باشد. بدیهی است که نقد هر کتابی فقط بیان ایرادهای اثر نیست، چه همواره طرح اشکال بسیار آسان‌تر از نگارش یا ارائه پیش‌نهاد برای اصلاح آن است، اما اولین فایده نقد و فرهنگ نقادی نصیب محقق می‌شود که به‌دنبال بالابردن کیفیت اثر خویش است. بر همین مبنا، ترویج روحیه نقد و نقدپذیری، به‌ویژه در دانشگاه‌ها و درمورد کتاب‌های علمی نقش سازنده‌ای در ارتقای فعالیت‌های علمی دارد.

۳. نقد و ارزیابی شکلی کتاب

۱,۳ جامعیت صوری کتاب

برای غنای یک اثر علمی باید ابعاد مختلفی مورد توجه قرار گیرد. صرف‌نظر از محتوای اثر (که اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد)، در بررسی مؤلفه‌های جامعیت صوری هر اثر اصولاً موارد ذیل (متناسب با موضوع اثر) باید رعایت گردد: پیش‌گفتار (foreword/ preface)، بیان هدف اصلی اثر، مقدمه (introduction)، فهرست مطالب، جدول و تصویر و نمودار و نقشه، خلاصه فصل‌ها، تمرین و آزمون‌ها، جمع‌بندی (خلاصه کلی کتاب)، نتیجه و پیش‌نهادها، معرفی منابع برای مطالعه در هر فصل، پیش‌نهاد پژوهش در هر فصل، و انواع نمایه و کتاب‌شناسی که تلاش خواهد شد برخی از موارد در این کتاب بررسی شود.

۱. پیش‌گفتار: معمولاً مؤلف در پیش‌گفتار ضمن بیان مسائل و محدودیت‌های پیش‌رو سعی می‌کند از داعی و انگیزه خود برای نگارش اثر سخن بگوید و بیان کند که این کتاب

با آثار دیگر چه تفاوتی دارد و چه مزایایی در مقایسه با کتاب‌های مشابه دارد. برخی سعی می‌کنند مطالب پیش‌گفتار را در مقدمه بیاورند، درحالی‌که اصولاً در پیش‌گفتار از مباحث محتوایی اثر سخنی به‌میان نمی‌آید، ولی مقدمه ارتباط ماهوی و مستقیمی با متن کتاب دارد. اگرچه در این اثر پیش‌گفتار دیده نمی‌شود، اما مؤلف در قالب دیباچه به انگیزه خود در نگارش کتاب، نوآوری‌های موجود در اثر، و بعضی مطالب دیگر اشاره کرده است.

۲. هدف از نگارش اثر: هر نویسنده در خلق یک اثر هدفی را دنبال می‌کند. هرچند گاه نویسنده به‌منظور ارتقای علم و نهادینه‌کردن دانش دست به نگارش اثر می‌زند، معمولاً منظور نویسنده کتاب دانشگاهی استفاده دانشجویان است، نه پیش‌برد مرزهای دانش. در تدوین کتاب مورد اشاره اهداف اصلی تحریر کتاب در ابعاد مختلف بیان شده است که از نقاط قوت اثر است. هرچند ممکن است گفته شود ضرورتی به بیان هدف نیست، اما به‌واقع محقق باید توضیح دهد به چه منظور دست به تحریر این اثر زده است. باتوجه‌به این‌که پیش‌تر نویسندگان دیگری کتاب‌های مشابه فراوانی را تألیف کرده‌اند، بیان مقصود محقق در نوشتن کتاب مهم خواهد بود. مثلاً، آیا دیگر کتاب‌ها نواقصی دارند که با نوشتن این کتاب آن نواقص رفع می‌شوند یا شیوه بیان و ارائه مطالب اثر جدید با دیگر کتاب‌ها متفاوت است. اگرچه مؤلف در دیباچه با طرح این پرسش که چرا باید دست به تألیف این اثر زد سعی کرده به انگیزه خود اشاره کند، به‌واقع هدف و انگیزه اصلی مؤلف به‌صراحت مشخص نشده است. باوجود ذکر نکردن صریح انگیزه، این کتاب مزایایی از قبیل نوآوری در برخی مطالب کتاب، خودداری از ارائه مطالب تکراری، توضیح نکات اصلی در دیگر درس‌های مرتبط با حقوق تجارت، و توجه به آرای قضایی دارد که شاید بتوان آن‌ها را از اهداف نویسنده محسوب کرد.

۳. مقدمه: مقدمه هر اثری بیان‌گر توضیح‌های مرتبط با بیان مسئله است که کمک قابل‌ملاحظه‌ای برای ترسیم و درک صحیح مطالب کتاب خواهد داشت. درواقع، برای ورود به درس زمینه و مقدماتی لازم است که بدون آن ابهام‌ها و اشکال‌هایی برای خواننده ایجاد می‌شود که در مقدمه مطرح می‌شود تا درک متن به‌سهولت انجام شود. اصولاً نویسنده نکات اساسی مدنظر خود را در مقدمه بیان می‌کند که می‌تواند بیان‌گر باورهای او، اهداف یادگیری، پیشینه موضوع، معرفی، و ساختار محتوای کتاب باشد (ملکی ۱۳۸۴: ۱۰ به‌بعد). علاوه‌براین، مقدمه شناس‌نامه اثر تلقی می‌شود. مؤلف سعی می‌کند در مقدمه ضمن تعریف موضوع کتاب، اهمیت و چگونگی آموزش و تدریس آن را نیز بیان کند؛ ازاین‌رو، یک

مقدمه خوب و جذاب ضمن آشنایی اجمالی دانشجو با موضوع و محتوای کتاب، موجب ترغیب مطالعه و ادامه مطالعه اثر نیز می‌گردد (سازمان جهاد دانشگاهی ۱۳۹۰: ۴). هرچند در ابتدای این کتاب مقدمه کلی و مختصری آورده شده است، بخش اول بدون هیچ توضیحی فاقد مقدمه است و بخش‌های بعدی نیز مقدمه کوتاهی دارند که با بخش اول ناهماهنگ است و به نظر می‌رسد که باید تقویت شود.

۴. فهرست مطالب: فهرست به منزله دستورالعمل و دفترچه راهنما در هر کتابی دارای اهمیت است، به‌ویژه در کتاب‌هایی که مطالب متعدد و متنوعی دارند این نیاز بیش‌تر خودنمایی می‌کند. هم‌چنین، فهرست هر کتاب بیان‌گر سازمان‌دهی و ساختار اثر است و به‌عبارتی، در همان ابتدا به خواننده اعلام می‌کند که مؤلف چه می‌خواهد بگوید و تا چه حد در رعایت ترتیب موضوع‌های مطرح‌شده موفق بوده است. علاوه‌براین، در بسیاری از موارد خوانندگان ممکن است فقط به دنبال مطالعه برخی از موضوع‌های کتاب باشند که نبود فهرست ممکن است وقت زیادی را از آن‌ها بگیرد یا موفق به پیدا کردن موضوع موردنظر خود نشوند. از این نظر کتاب ایرادی ندارد، زیرا فهرست مطالب در ابتدای کتاب و در صفحه پنج به بعد آمده است و خواننده می‌تواند مبحث موردنظر خود را در متن جست‌وجو کند.

۵. استفاده از جدول، نمودار، تصویر، و نقشه: اگرچه در برخی کتاب‌های حقوق تجارت برای توضیح و درک بهتر مطالب از تصویر و نمودار استفاده شده است (کاویانی ۱۳۹۴: ۲۹، ۱۵۰)، فقدان این موضوع نکته‌ای منفی برای کتاب تلقی نمی‌گردد، زیرا برخلاف بعضی از درس‌ها (به‌ویژه در رشته‌های فنی)، که استفاده از نمودار و تصاویر از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و حتی در برخی مواقع بدون ارائه آن‌ها امکان انتقال مطالب به‌سختی میسر است، اصولاً ماهیت مباحث حقوقی نیازمند چنین ابزاری نیست. ضمن این‌که درس «حقوق تجارت ۱» از اولین درس‌هایی است که برای دانشجوی حقوق، که هنوز در ابتدای راه دوره کارشناسی است، ارائه می‌شود و استفاده از ابزارهای یادشده چندان مفید به‌نظر نمی‌رسد.

۶. خلاصه هر فصل: ارائه خلاصه هر فصل جز در موارد نادر کم‌تر موردتوجه نویسندگان حقوقی قرار می‌گیرد، اما تجربه ثابت کرده است که وجود خلاصه برای هر فصل برای تکمیل و انتقال بهتر مفاهیم به دانشجو می‌تواند مفید باشد. درواقع، خلاصه هر فصل ماحصل مطالبی است که نویسنده بیان کرده است. خلاصه فصل‌ها می‌تواند به دانشجو کمک کند که تا با داشتن نقشه‌ای کلان مطالب ارائه‌شده قبلی را به‌سادگی در ذهن

خود بسپارد. در این کتاب خلاصه یا جمع‌بندی کلی در انتهای هر بخش یا فصل وجود ندارد، اما معروض می‌دارد که در اغلب کتاب‌های حقوقی، که به رشته تحریر درآمده است، چنین شیوه‌ای معمول نیست و شاید چنین نیازی در این رشته احساس نشده و از این رو، این اثر مطابق معمول دیگر کتاب‌های حقوقی نگارش شده است.

۷. تمرین و آزمون: در برخی از کتاب‌های حقوقی از تمرین و آزمون برای کاربردی کردن و درک بهتر مطالب استفاده شده است (شهیدی ۱۳۸۰: ۳۲۲ به بعد)، اما استفاده از این شیوه در تدوین کتاب‌های حقوق تجارت، به ویژه برای درس «حقوق تجارت ۱» متداول نیست، بنابراین فقدان آن ایرادی بر اثر تلقی نمی‌شود. اگرچه ذکر مصادیق کاربردی یا تحلیل حقوقی آرای قضایی، که بیان‌گر چگونگی کاربرد مواد قانونی در جامعه و محاکم است، می‌تواند ذهن دانشجو را با حقایق موجود در جامعه آشنا کند، با توجه به این که این درس برای دانشجویان ترم دوم ارائه می‌شود، که هنوز بسیاری از مقدمات حقوق را نخوانده‌اند، بهتر است کم‌تر بر آن‌ها تمرکز شود.

۸. استفاده و ارجاع به دیگر منابع: در تألیف هر اثر علمی، به ویژه کتاب‌های حقوقی، نویسنده مستغنی از دیگر تألیفات نیست و نمی‌توان مدعی شد که تمامی محتویات اثر را مؤلف به رشته تحریر درآورده است. از این نظر، استفاده از آثار علمی دیگر نویسندگان امری بدیهی است که مؤلف در متن و انتهای کتاب به آن‌ها اشاره می‌کند، به ویژه نویسنده می‌تواند در بیان مطالب دانشجو و خواننده را برای مطالعه بیشتر به منابع مرتبط راه‌نمایی کند. در کتاب مورد بررسی این موضوع با ارجاع به منابع تاحدودی مدنظر مؤلف بوده است، اما به نظر می‌رسد کافی نیست. کمیت منابع استفاده شده نیز با توجه به وجود کتاب‌های فراوان در این زمینه موجب ضعف اثر شده است. در واقع، در هر اثر علمی محقق باید به قدر کافی از منابع معتبر بهره جوید. در اغلب کتاب‌های حقوقی تحلیل‌های فراوانی دیده می‌شود و نظرهای نویسندگان بسیار متنوع و در برخی مواقع متعارض است. بیان تحلیل‌ها و نقد و بررسی آن‌ها به منظور بالابردن قوه تجزیه و تحلیل دانشجو از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. گزافه نیست که بگوییم یکی از وظایف مهم هر نویسنده حقوقی، ضمن ارائه نکات علمی به علاقه‌مندان، ارتقای قوه تحلیل حقوقی دانشجو است.

۹. ارائه پیش‌نهادها: در این اثر پیش‌نهاد خاصی ارائه نشده است و شاید همین شکل بهتر باشد، زیرا در اثری که قرار است سالیان متمادی استفاده شود بیان پیش‌نهاد، که عمری کوتاه دارد، ممکن است به اثر آسیب بزند، مگر آن‌که پیش‌نهاد حاوی موضوع‌های کلی

باشد که آن هم فاقد اثری کاربردی است. بنابراین به نظر می‌رسد، محل طرح پیش‌نهاد در مقاله‌های علمی است که یک موضوع خاص به‌طور تخصصی مورد بحث و کنکاش قرار می‌گیرد و نقاط ضعف و قوت آن بیان می‌شود. از این‌رو، ارائه پیش‌نهاد برای حذف، اضافه، یا اصلاح قانون در پایان یک مقاله متقن می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، ولی در کتاب چنین ضرورتی دیده نمی‌شود.

در پایان، معروض می‌دارد که امکان بررسی موضوع‌های دیگری نیز وجود دارد، اما به‌منظور جلوگیری از اطاله کلام و درعین حال محدودیت مقاله از بررسی آن‌ها خودداری می‌شود.

۲،۳ نقد و تحلیل قواعد عمومی نگارش و ویرایش

هنگامی که محقق اثری تولید می‌کند ناگزیر باید آشنایی کافی با ادبیاتی که به آن زبان کتاب تحریر می‌شود داشته باشد. از این‌رو، در ارزیابی صوری یک اثر رعایت جنبه‌های زبانی و نگارشی و حتی علم به اصطلاحات رایج بین جوامع مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است که می‌تواند محتوای کتاب را تحت تأثیر قرار دهد و بر غنا یا ضعف آن بیفزاید. در واقع، زبان مانند ظرفی است که اندیشه مؤلف در آن شکل می‌گیرد و در نتیجه، هماهنگی ظرف و مضمون در هر اثری حائز اهمیت است (بنایی اسکویی ۱۳۹۷: ۴۱).

با وجود نقاط قوت، ایرادهایی در رعایت نکردن زبان و ادبیات فارسی یا اشکال‌های نگارشی و ویرایشی در کتاب مشاهده می‌شود که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌گردد. ۱. استفاده صحیح از نشانه‌های فصل و وصل مانند نقطه، دو نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، پرسش، تعجب، و ... در نگارش یک متن علمی برای انتقال صحیح مفاهیم و منظور نویسنده دارای اهمیت به‌سزایی است (سمیعی ۱۳۹۲: ۲۵۶).

هنگام گفت‌وگو استفاده از زبان بدن (body language) در انتقال مفاهیم نقش مهم و شاید اساسی را ایفا می‌کند. لحن، شدت و ضعف کلام، اشاره‌های دست و سر، و حتی تغییر چهره برای نشان دادن احساس‌ها گوینده را در انتقال صحیح منظور کمک خواهند کرد، در حالی که چنین ویژگی‌ای در نوشته غایب است و از این‌رو، ممکن است مقصود نویسنده به‌درستی منتقل نشود و موجب ابهام شود. بنابراین به‌منظور رفع ابهام و در نتیجه درست و روان خواندن نوشته ضرورت درج نشانه‌گذاری اهمیت به‌سزایی در هر متن علمی

دارد و اگر از این عوامل استفاده نشود یا به اشتباه استفاده شود، هدف محقق در انتقال مفاهیم به سرانجام مطلوب نخواهد رسید (غلام‌حسین زاده ۱۳۸۵: ۳۳).

در این اثر مواردی از استفاده نادرست از ویرگول مشاهده می‌شود که برای مثال می‌توان به صفحه‌های ۱۹، ۲۷، و ۵۵ اشاره کرد.

۲. در نوشتن عبارت اصل بر جدانویسی است که البته در موارد محدود این نکته رعایت نشده است. مثلاً، در صفحه ۳۱ کتاب از عبارت «بمراتب» استفاده شده یا در صفحه ۹۲ عبارت «بعنوان» آمده است.

۳. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، نویسنده برای رعایت امانت‌داری و حفظ حقوق دیگر مؤلفان مکلف است حسب این‌که از عین متن یا از محتوای آن استفاده می‌کند، با قراردادن متن در داخل گیومه و سپس قید نام نویسنده یا ارجاع این موضوع را اعلام کند. در این اثر نویسنده تا حدود زیادی این موارد را رعایت کرده است.

۴. خوش‌بختانه در این کتاب غلط‌های چاپی نادر است.

۵. تطابق فعل با فاعل در نوشتن هر متنی لازم است. گاهی در عبارت‌های طولانی و هنگامی که بین فاعل و فعل فاصله باشد این تطابق رعایت نمی‌شود. از نقاط قوت این اثر رعایت این قاعده مهم نگارشی است که از سردرگمی خواننده جلوگیری کرده است.

۳,۳ نقد و تحلیل زبان و ادبیات نگارش و روان‌بودن اثر

یکی از موارد مهم در نگارش یک کتاب دانشگاهی رعایت زبان و ادبیات علمی نگارش است. شرط اولیه در هر متن علمی که به زبان فارسی به رشته تحریر درمی‌آید رعایت قواعد زبانی است و این مهم مستلزم تسلط نسبی بر ادبیات است. علاوه‌براین، محتوای مطالب ارائه‌شده باید برای خواننده آسان و دور از پیچیدگی باشد. استفاده از عبارت‌های مبهم و نامأنوس و یا لفاظی‌های ادبی تأثیری منفی در خواننده می‌گذارد و مآلاً موجب درک دیر هنگام مفاهیم می‌شود (منصوریان ۱۳۹۲: ۱۱).

در این کتاب از نظر درک مفاهیم ایراد قابل ملاحظه‌ای دیده نمی‌شود. اگرچه به نظر می‌رسد که جنبه‌های آکادمیک موضوع‌های مطرح‌شده در کتاب ضعیف است، با امعان نظر به این‌که قواعد نگارش و ویرایش به صورت متعارف در اثر رعایت شده است می‌توان گفت که این اثر به صورت قابل فهم و ساده بیان شده و از عبارت‌های فنی و حقوقی کم‌تر

استفاده شده است. با وجود این، برخی عبارات‌ها و جمله‌های به‌کاررفته در اثر مبهم و نارساست. برای مثال، می‌توان به سطرهای ۱۱ تا ۱۳ از صفحه ۲۴، صفحه‌های ۲۸ و ۲۹، و سطرهای ۱۸ و ۱۹ از صفحه ۳۶ اشاره کرد. هم‌چنین، نویسنده در صفحه ۱۱۱ به عبارت «لایحه قانون تجارت» اشاره کرده است بدون آن‌که آن را مشخص کند، زیرا هنگامی که صحبت از لایحه قانون تجارت می‌شود دو موضوع به ذهن متبادر می‌شود: اول، لایحه اصلاحی قانون تجارت سال ۱۳۴۷ است که مقنن در سال ۱۳۴۷ در خصوص شرکت‌های سهامی سیصد ماده را جای‌گزین مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون تجارت کرده است؛ دوم، متن تنظیم‌شده گروهی از استادان و مراجع دولتی است که برای به‌روزرکردن قانون تجارت در دو مرحله تهیه و تدوین شده است تا جای‌گزین قانون فعلی شود، اما پس از گذشت سالیان متمادی به نتیجه نرسیده است. اخیراً نیز دوباره متنی متفاوت با دو لایحه قبل در مجلس درحال بررسی است. با این توصیف، سه متن متفاوت با عنوان «لایحه» وجود دارد که هیچ‌یک به تصویب نرسیده و فاقد ارزش قانونی است. بنابراین آوردن عبارت «ماده ۸۸ لایحه» بدون مشخص کردن آن موجب ابهام می‌شود.^۳

۴,۳ نقد و تحلیل کیفیت چاپی و فنی

کیفیت ظاهری چاپ کتاب از ابعاد مختلفی از قبیل طرح روی جلد، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، کیفیت صحافی، و ... قابل بررسی است.

طرح روی جلد هر اثری نمای بیرونی یک سازه تلقی می‌شود که کم‌وبیش بیان‌گر محتوا و ساختار آن نیز است. جلد کتاب و طرح روی جلد اولین چیزی است که ذهن خواننده را به خود جلب می‌کند. حسب محتوای یک اثر طرح جلد آن نیز می‌تواند متفاوت باشد. بدیهی است، باید تناسبی بین موضوع کتاب و طرح جلد وجود داشته باشد. مثلاً، برای کتاب‌های فنی و ریاضی استفاده از اعداد و اشکال هندسی مفید است، اما برای طرح روی جلد کتاب‌های حقوقی ترسیم علائمی مانند میز و چکش دادگاه مناسب است. در این اثر طرح جلد کتاب به تبعیت از روش معمول ناشر برای چاپ کتاب‌های حقوقی در دو کادر (بنفش و سفید) است که در قسمت بالا عنوان کتاب و در کادر پایین نام مؤلف آورده شده و از علائم خاصی نیز استفاده نشده است، در نتیجه، به‌نظر می‌رسد که طرح روی جلد احساس خاصی را به خواننده منتقل نمی‌کند.

کیفیت حروف‌نگاری از عوامل جذابیت یک اثر است و استفاده از حروف متفاوت در متن یا برجسته‌کردن عنوان‌ها یا برخی موضوع‌های مهم می‌تواند نظر خواننده را به مطالعه و ادامه مطالب ترغیب کند. در این کتاب قواعد معمول حروف‌نگاری رعایت شده است. تناسب عنوان‌ها و متن اصلی تا حدود زیادی مورد توجه ناشر بوده است و خواندن کتاب به مدت زیاد موجب آزار خواننده نیست (رضی ۱۳۸۸: ۲۸). صفحه‌آرایی تا حد قابل‌قبولی رعایت شده است و از نظر کیفیت صفحه‌آرایی فضای مناسبی را برای خواننده فراهم می‌کند. کیفیت چاپ و صحافی در کتاب‌های دانشگاهی اهمیت خاصی دارد. از آن‌جاکه اغلب خوانندگان کتاب‌های دانشگاهی دانشجویان‌اند، باید صحافی و هم‌چنین کاغذ به‌کاررفته به‌گونه‌ای باشد که با وجود استفاده مستمر شیرازه آن، دست‌کم برای یک ترم، حفظ و از پاره‌شدن ورق‌ها جلوگیری شود. در این کتاب تا حد زیادی موارد یادشده رعایت شده است (همان).

۴. نقد و ارزیابی محتوایی

حسب معمول اهداف اصلی یک اثر حقوقی از طریق مفاهیم محتوایی متن اصلی است. از این‌رو، مهم‌ترین بخش نقد یک اثر علمی و دانشگاهی ارزیابی محتوایی آن است که در ادامه در ابعاد مختلف بررسی می‌شود (همان: ۲۲).

۱,۴ نوآوری و روزآمدی اثر

دانش بشر و تولیدات علمی با شتاب در حال پیشرفت است. تألیف‌های دانشگاهی نیز نباید از آخرین دستاوردهای علمی بی‌نصیب باشند؛ علاوه‌براین، در خلق یک اثر علمی، به‌خصوص دانشگاهی، انتظار می‌رود که مؤلف دست به ابتکار بزند و اثری متفاوت با دیگر آثار مشابه ارائه دهد. نوآوری و ارائه تازه‌ترین اطلاعات علمی در هر کتاب دانشگاهی امری اجتناب‌ناپذیر است، وگرنه نیازی به تدوین یا گردآوری مطالب قدیمی نیست (همان). می‌دانیم که نوآوری با روزآمدی متفاوت است. نوآوری نظر به ابتکارهای محقق دارد که اثر خود را متفاوت با دیگران نشان می‌دهد، اما روزآمدی ارائه آخرین دستاوردهای دانش بشری در رشته موردتألیف است. در واقع، منظور از روزآمدی هم‌راهی محقق با پیشرفت‌های حاصل در رشته‌ای است که تألیف کرده است (منصوریان ۱۳۹۲: ۹).

در کتاب مورد بررسی، جز در برخی موارد، نوآوری ویژه‌ای ملاحظه نمی‌شود و مطالب مطرح شده با اندک تغییری مشابه کتاب‌های دیگری است که پیش‌تر در این حوزه به رشته تحریر درآمده است. چه بسا برخی از کتاب‌هایی که قدیمی‌ترند، در بیان موضوع‌های جدید حقوق تجارت از این اثر پیشی گرفته‌اند. مثلاً، کتاب حقوق تجارت (جلد اول) تألیف ستوده تهرانی با وجود این که در سال ۱۳۴۵ تحریر شده، حاوی مباحثی از مالکیت تجارتي و صنعتی مانند مایه تجارتي، اسم و علائم تجاری و صنعتی، حقوق اختراع، و ... است که در این اثر دیده نمی‌شود (ستوده تهرانی ۱۳۹۴: ۱۱).

۲,۴ جامعیت محتوایی کتاب

جامعیت مباحث یک کتاب به آن معناست که نویسنده به وجوه مختلف موضوع دقت کرده و آن‌ها را در کتاب آورده است. بدیهی است، تحقق جامعیت مطلق هم از نظر توان محدود پژوهش‌گر و هم از نظر ملاحظات یک اثر دانشگاهی، که باید جنبه‌های آموزشی و سرفصل درس را مورد توجه قرار دهد، در برخی مواقع محقق نمی‌شود، ولی دست‌کم می‌توان برای ارزیابی یک اثر علمی ملاک جامعیت نسبی را در نظر داشت تا بیش‌تر مخاطبان بتوانند به اغلب مباحث مرتبط و مورد نظر خود در آن کتاب دست یابند (منصوریان ۱۳۹۲: ۸).

بر همین مبنا، این کتاب با عنوان «حقوق تجارت ۱» باید از همه موضوع‌های مرتبط برخوردار باشد. در اغلب کتاب‌های مشابه طیف وسیعی از موضوع‌ها بررسی شده که در این اثر نیامده است. اگرچه «حقوق تجارت ۱» ذیل عنوان «تجار و اعمال تجاری» ارائه می‌گردد، اما باید توجه داشت که چون این درس اولین درس از درس‌های حقوق تجارت است و در واقع باب آشنایی دانشجو با حوزه حقوق تجارت از این درس آغاز می‌شود، باید بیش از عنوان مصوب شامل مباحث مقدماتی دیگری از قبیل تعاریف یا مفاهیم، فلسفه ایجاد رشته‌ای مستقل، ارتباط حقوق تجارت با دیگر رشته‌ها، تاریخچه حقوق تجارت، به‌ویژه سیر تحول قوانین و مقررات، و ... نیز باشد (اسکینی ۱۳۸۹: ۴ به بعد).

از این رو، بدون ارائه مطالب مقدماتی نمی‌توان توقع داشت که جامعیت اثر رعایت شده باشد. شاید گفته شود از آن‌جا که دانشجو پیش‌تر در درس مقدمه علم حقوق با تقسیم‌بندی یا شاخه‌های حقوق آشنا شده است، ضرورتی به بیان مباحث مقدماتی نیست و ارائه آن‌ها تکرار مکررات است، اما چنین تصویری چندان مقرون به صواب نیست، زیرا موضوع‌های یادشده به‌طور اختصاصی باید در درس‌های چهارگانه حقوق تجارت پیش‌بینی و ارائه شود

و باب ورود به این مباحث نیز از «تجارت ۱» است، در نتیجه، لازم است که بحث‌های مقدماتی در این درس مطرح و به قدر کافی بیان شود. ضرورت طرح مباحث مقدماتی برای درس‌های تخصصی، از جمله حقوق تجارت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بهتر بود که در آخرین تغییرات انجام‌شده در برنامه دوره کارشناسی حقوق، درس کلیات یا مقدمه حقوق تجارت همانند برخی درس‌ها پیش‌بینی می‌شد. مثلاً، درس کلیات حقوق جزا به منزله مقدمه حقوق کیفری، پیش از ورود به درس‌های حقوق جزای عمومی و اختصاصی به دیگر درس‌ها اضافه شد.^۴ با وجود فقدان این مهم در دوره کارشناسی حقوق برخی از استادان از این امر غافل نبوده‌اند (کاویانی ۱۳۹۴) و حتی برخی نویسندگان با استفاده از عبارت «مقدمه علم حقوق تجارت» به جای عنوان رایج «حقوق تجارت ۱» سعی کرده‌اند به گونه‌ای اهمیت مباحث مقدماتی درس حقوق تجارت را حتی در عنوان درس متذکر شوند (خزاعی ۱۳۹۱).

هر چند اغلب نویسندگان کتاب‌های حقوق تجارت به شیوه سنتی و به پیروی از عنوان‌های درج‌شده در مصوبات یادشده آموزش عالی از به‌کاربردن «مقدمات» یا «کلیات» به جای عنوان «حقوق تجارت ۱» پرهیز کرده‌اند، اما در همان جلد اول به مباحث مقدماتی اشاره کرده‌اند و بعضاً عنوانی تحت همان عنوان به آن اختصاص داده‌اند^۵ (ستوده تهرانی ۱۳۹۴؛ اسکینی ۱۳۸۹).

از آن‌جا که اثر مورد بررسی کتاب درسی و مورداستفاده دانشجویان حقوق است، مطالب آن نیز باید به گونه‌ای تنظیم شود که با مطالعه کتاب سؤال‌ها و ابهام‌های این درس تا حد امکان برطرف شود و اگر منابع دیگری نیز برای مطالعه معرفی می‌شود، فقط به منظور تکمیل مباحث یا آشنایی با نظرهای مخالف باشد. در حالی که در این کتاب برخی از موضوع‌ها بیش از حد مورد توجه واقع شده و برخی از موضوع‌ها از قبیل ارتباط حقوق تجارت با دیگر رشته‌ها، جایگاه حقوق تجارت در نظام حقوقی، آشنایی با قراردادهای تجاری، مالکیت فکری، صنعتی، حق اختراع، سرقتی، بورس، فرابورس، بیمه، و بسیاری از موضوع‌های مهم دیگر بررسی نشده است و به نظر می‌رسد مهم‌ترین ایراد این اثر نیز همین فقدان جامعیت آن باشد.

۳,۴ حجم و تناسب ارائه مطالب اصلی و فرعی

با نگاهی گذرا به کتاب‌هایی که با موضوع «حقوق تجارت ۱» منتشر شده‌اند، ملاحظه می‌شود که بعضی از آن‌ها پر حجم و برخی کم حجم‌اند. همان‌گونه پیش‌تر بیان شد، فقدان

موضوع‌های مرتبط با درس موجب جامعیت نداشتن یک اثر می‌شود، درعین حال، آوردن توضیح‌های زائد، مثال‌های متعدد، و بررسی موضوع‌های فرعی برای افزایش حجم از آفت‌های هر اثر است. مثلاً، در برخی کتاب‌های حقوق تجارتی بخش قابل توجهی از کتاب به قوانین مرتبط اختصاص یافته است،^۶ درحالی‌که ضرورتی برای درج قوانین نیست. اگرچه بخش عمده موضوع کتاب‌های حقوقی چیزی جز تحلیل مواد قانونی نیست، نباید فراموش کرد که مؤلف کتابی حقوقی تدوین می‌کند و به دنبال گردآوری قوانین نیست و اگر خواننده نیازمند مطالعه قانون باشد، می‌تواند به مجموعه قوانین تجارتی مراجعه کند و از آن‌ها بهره‌مند شود.

انسجام (coherence) و یک‌دستی (consistency) محتوایی و ساختاری در تدوین هر اثر علمی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. انسجام بدان معنی است که پیوندی منطقی میان مباحث اصلی و فرعی در متن دیده شود، به گونه‌ای که خواننده بتواند سیر طبیعی و پیوسته سخن محقق را در اثر مشاهده کند، ضمن آن‌که یک‌دستی در بیان مفاهیم و صورت کلمات و عبارات‌های استفاده‌شده نیز موجب قوام و قوت متن می‌شود (منصوریان ۱۳۹۲: ۱۲-۱۳). برای درک بهتر مفاهیم متن علمی علاوه بر این که نکات دستوری در به‌کارگیری واژه‌ها، اصطلاح‌ها، و ساختار جمله‌ها رعایت می‌شود، باید بین عبارات‌ها نیز هماهنگی منطقی وجود داشته باشد، زیرا اثر عبارت از انبوهی از کلمه‌ها و جمله‌هاست که رعایت نکردن هم‌بستگی و ارتباط در آن موجب کاهش آهنگ موسیقی کلام و در نتیجه، کاهش تأثیر آن می‌شود (هاجری ۱۳۸۸: ۷۰).

درواقع، مرتبط‌بودن مطالب در قالب پیوستگی نمایان می‌شود و فقدان آن سبب آشفتگی مقصود نویسنده است. اگر تمامی مطالب یک اثر کاملاً مرتبط با موضوع باشد، اما نظم و ترتیب مطالب، ارتباط بین فصل‌ها، و هم‌چنین ارتباط مطالب اصلی با فرعی مورد توجه نباشد، بی‌تردید مقصود از نگارش اثر محقق نخواهد شد. پیوستگی هم موجب تحقق هدف نویسنده در خلق اثر می‌شود و هم بر غنای آن می‌افزاید، زیرا پیوستگی مرتبط‌کردن معانی یک متن است و بنابراین هنگامی می‌توان اثر را دارای پیوستگی دانست که در نهایت، ایده اصلی مورد نظر مؤلف را به خوبی بیان کند (کمائی فرد ۱۳۹۱: ۳۶).

اثر مورد بررسی از نظر نظم منطقی موضوع‌ها، انسجام و پیوستگی، و چیدمان مطالب چندان مطلوب نیست. مثلاً، در ابتدای فصل اول از بخش اول ابتدا به نظام موضوعی اشاره شده است که به شناسایی تاجر اختصاص دارد و سپس، موضوع حقوق تجارت، منابع، و

تاریخچه بررسی شده است؛ درحالی‌که بدون طرح و شناسایی حقوق تجارت بررسی یکی از زیرشاخه‌های آن موجب سردرگمی خواننده می‌شود. هم‌چنین، نویسنده در ابتدای بخش‌های دوم و سوم مقدمه‌های مختصری برای توضیح مطالب پیش‌رو ارائه می‌دهد، ولی همین کار شایسته را در بخش اول انجام نداده است. هرچند مؤلف در مقدمه کلی کتاب به صورت بسیار مختصر به هر سه بخش اشاره کرده است، هماهنگی سه بخش در قسمت مقدمه مشاهده نمی‌شود، درحالی‌که تنظیم و ترتیب منطقی موضوع‌ها بسیار مهم است و وظیفه هر نویسنده‌ای است تا بدین وسیله مشخص شود کدام مطلب مهم است و کدام یک از مباحث‌های مطرح‌شده از نظر مؤلف اهمیت کم‌تری داشته است. درواقع، چیدمان موضوع‌ها باید به گونه‌ای باشد تا منظور او به راحتی به مخاطب منتقل شود (هاجری ۱۳۸۸: ۶۹).

۴,۴ بررسی اثر از نظر علمی و مسئله‌محوربودن

مؤلف در هر کتاب دانشگاهی علاوه بر انتقال مفاهیم و دانش روز وظیفه طرح سؤال‌ها و ابهام‌های موجود را نیز دارد. طرح کتاب درسی باید در جهت نیل به اهداف آموزشی، ضمن تقویت مهارت‌های ذهنی و عملی، موجب تفکر خواننده در مباحث مطرح‌شده شود. در این باره، باید تلاش شود سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجو و خواننده نقش بندد و در نتیجه، نباید فقط به انتقال دانش و افزایش اطلاعات اکتفا شود (رضی ۱۳۸۸: ۲۳).

دانشجوی حقوق بیش از آن‌چه به انتقال اطلاعات و حفظ مواد قانونی و توضیح مختصر آن‌ها نیازمند باشد، باید بیاموزد که قوه استنباط و تجزیه و تحلیل حقوقی خود را تقویت کند. یکی از تفاوت‌های مهم کتاب‌های حقوق تجارت با قوانینی که در قالب کتاب منتشر می‌شود آن است که در کتاب‌های حقوقی فقط به توضیح مواد قانونی اکتفا نمی‌شود و حتی اثری که در قالب شرح قانون (محشا) تدوین می‌شود کاملاً با کتاب درسی متفاوت است و موضوع‌ها از منظر حقوقی تحلیل و بررسی می‌شوند. ازاین‌رو، نویسنده کتاب حقوقی باید به این نکته توجه کافی داشته باشد و با برانگیختن حس پرسش‌گری خواننده به او بیاموزد که بیندیشد و در هر مسئله‌ای تفکر کند تا موضوع‌ها و مباحث‌های حقوقی را به خوبی درک کند.

در این اثر تاحدودی به این مهم توجه شده است، هرچند مباحث تحلیلی کافی نیست و استفاده ناکافی از نظرهای مختلف نویسندگان موجب کم‌فروغ شدن اثر شده است. این ایراد از آن‌جا ناشی می‌شود که کتاب از نظر محتوا و مطالب جامع نیست. زمانی می‌توان از

محتوای خوب سخن به میان آورد که موضوع‌های مرتبط هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی مورد توجه باشند. درحقیقت، محتوا باید از ابعاد مختلف محرک یادگیری باشد و شوق خواننده را در فرایند یادگیری و انرژی لازم درونی را برای استمرار تلاش او فراهم کند. برای این امر صاحبان نظریه‌های یادگیری جدید اعتقاد دارند که لازم است بستری فراهم شود تا فراگیر علاقه و شوق خویش را در جریان یادگیری نشان دهد و مشارکتی فعال داشته باشد (عصار ۱۳۹۳).

شاید در ابتدا به نظر برسد برای درس حقوق تجارت ۱، که دانشجوی در ترم‌های ابتدایی دوره کارشناسی است و هنوز با بسیاری از مباحث حقوقی آشنا نشده، چه نیازی به مباحث تحلیلی و مسئله‌محور بودن موضوع‌های مطرح شده است، اما حقیقت آن است که دانشجوی حقوق در مسیری گام نهاده است که از همان ابتدا باید نگرش تحلیلی به مباحث درسی را بیاموزد. بدیهی است، این شیوه متناسب با میزان دانش و معلوماتی که او به تدریج کسب می‌کند متفاوت و متغیر است، اما ضروری است که هر دانشجوی فراخور اوضاع و احوال از همان ابتدا تحلیل و برداشت صحیح و منطقی‌ای از قوانین را، البته به بیان ساده، بیاموزد تا به تدریج در پایان دوره به مرحله‌ای برسد که به راحتی بتواند در هر قضیه راه‌حل قانونی مستند و مستدل را بیابد.

۵,۴ ایرادهای محتوایی اثر

با وجود برخی مزایا، این کتاب از نظر محتوا و ماهیت مطالب ایرادهایی دارد که به اختصار به برخی اشاره می‌شود:

۱. برای چرایی یا فلسفه جدایی حقوق تجارت از حقوق مدنی، به‌منزله پایه حقوق خصوصی، و تأسیس رشته‌ای مستقل اصولی از قبیل سهولت، سرعت، و اطمینان ذکرکردنی است. به عبارت دیگر، امور تجاری نیازمند ساده‌کردن تشریفات امور، تسهیل، و تسریع در گردش ثروت، و هم‌چنین ایجاد حس اعتماد در بازرگانان است، هرچند درحقیقت اعمال تجاری از نظر ماهوی تفاوتی با اعمال مدنی ندارد (کاتوزیان ۱۳۸۲: ۹۰).

از این رو، برای بیان علل تأسیس رشته مستقل حقوق تجارت برخی به این اصول مستمسک شده‌اند. مؤلف نیز در همین باره ذیل گفتار اول از فصل دوم از بخش اول، یعنی کلیات، و به‌مناسبت موضوع «نظریه دوگانگی حقوق بازرگانی و حقوق مدنی» چهار ویژگی «قصد انتفاع»، «سرعت»، «اعتبار»، و «خصیصه بین‌المللی داشتن» را برای حقوق تجارت

مطرح کرده است. صرف‌نظر از این‌که موارد یادشده را (آن‌طور‌که در کتاب آمده) ویژگی بنامیم یا در زمره مبانی، چرایی، و علل ایجاد این رشته یا این‌که آن‌ها را اهداف تلقی کنیم، بیان این موضوع‌ها ایرادهای ماهوی دارد. مثلاً، در توضیح قصد انتفاع، به‌مثابه یکی از چهار ویژگی حقوق تجارت، قصد انتفاع با قصد فروش یکی تلقی شده است، درحالی‌که اول، قصد فروش ممکن است به‌منظور انتفاع باشد یا نباشد؛ دوم، در حقوق ایران برای تعیین عمل تجاری وفق بند اول ماده ۲ قانون تجارت قصد فروش کافی است، اگرچه ممکن است درخصوص شخصی که به‌طور معمول اقدام به خریدوفروش کالا می‌کند قصد انتفاع مفروض باشد، اما نمی‌توان آن دو را به یک معنا دانست. باوجود فزونی فعالیت‌های تجاری در عالم اقتصاد، برخی از اعمالی که در قالب خریدوفروش حتی از سوی بازرگانان انجام می‌شود برای رفع نیازهای غیرتجاری است. هرچند مقنن ایرانی تجاری‌بودن همه معاملات تجار و شرکت‌های تجاری را مفروض تلقی کرده است، خلاف آن قابل اثبات است؛ سوم، هرچند هر تاجری به‌دنبال کسب منفعت است و اغلب معاملات تجاری تجار از چنین ویژگی‌ای برخوردارند، اما فقط بازرگانان به‌دنبال منفعت نیستند و بسیاری از مؤسسات هنری و ورزشی نیز ممکن است با قصد انتفاع تشکیل و اداره شوند (اسکینی ۱۳۸۹: ۱۳۷).

۲. ذیل همان گفتار و در توضیح ویژگی «سرعت»، به‌مثابه یکی از چهار ویژگی، به ماده ۲۴۹ قانون تجارت استناد شده است، درحالی‌که این ماده در بیان مسئولیت تضامنی امضاکنندگان سند تجاری است و قدر متیقن ارتباط مستقیم و معناداری با اصل سرعت در معاملات تجاری ندارد و مناسب بود که مؤلف محترم آن را ذیل ویژگی بعدی با عنوان «اعتبار» و اعتبار سند تجاری مطرح می‌کرد.

۳. درخصوص خصیصه بین‌المللی داشتن نیز معروض می‌دارد که این حقیقت است که جنبه‌های بین‌المللی حقوق تجارت هر روز درحال گسترش است و فعالیت‌های تجاری دیگر به قلمرو جغرافیای یک کشور محدود نیست، اما از این وضعیت نمی‌توان نتیجه گرفت که حقوق تجارت فقط جنبه بین‌المللی دارد. بسیاری از قوانین و مقررات تجاری حتی واجد وصف بین‌المللی فقط در صورتی در جهان حقوق تجارت راه پیدا می‌کنند که دولت، به‌معنای عام، آن‌ها را وضع یا تنفیذ کند.

تفکیک‌نکردن مبانی و ویژگی‌های حقوق تجارت موجب می‌شود که وصف عارض‌شده بر حقوق تجارت، که درواقع نتیجه شکل‌گیری این رشته است، به‌منزله علل ایجاد آن تلقی شود، درحالی‌که بین این دو تفاوت وجود دارد. شاید بتوان همان اصول

مشهور سه‌گانه، یعنی سرعت، سهولت، و اطمینان را به‌منزله مبانی و علل جدایی این رشته از حقوق مدنی و در نتیجه تأسیس رشته‌ای مستقل کافی دانست. به‌عبارت‌دیگر، بین اصول یادشده در جایگاه مبانی و ویژگی‌های حقوق تجارت رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد، یعنی هر یک از این اصول در زمره ویژگی‌ها محسوب می‌شوند، اما هر ویژگی‌ای نمی‌تواند جزو مبانی حقوق تجارت شناسایی شود. از این‌رو، خصصیه بین‌المللی داشتن حقوق تجارت ویژگی یا یکی از اوصاف این رشته به‌شمار می‌آید، همان‌گونه که واژه «خصصیه» در ابتدای این عنوان استفاده شده است.

۴. در آخرین صفحه کتاب (صفحه ۱۵۰)، در ادامه صحبت از دفاتر بازرگانی چنین آمده است: «... در نتیجه، در مواردی که دفتر نامرتب است، خواه مطابق قانون تجارت تهیه نشده یا مطابق قانون نگه‌داری نشده یا طرف دعوی غیربازرگان است و یا موضوع دعوی غیرتجاری است، در تمامی این موارد دفاتر بازرگان به ضرر او معتبر است».

نویسنده محترم هم‌نظر با برخی از نویسندگان و با توجه به ظاهر عبارت آخر ماده ۱۴ قانون تجارت معتقد است در صورتی که طرف مقابل دعوایی که تاجر طرح کرده است بازرگان نباشد، دفتر تجاری فقط علیه تاجر قابل استناد است، در حالی که این برداشت مقرون به صواب نیست. مشابه همین حکم در ماده ۱۲۹۷ قانون مدنی نیز آمده است. برای تحلیل بهتر و درست موضوع باید این مواد را با ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی و یک‌جا در نظر گرفت و نتیجه منطقی را استنتاج کرد. در ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی چنین آمده است: «دفاتر تاجر در مقابل غیرتاجر سندیت ندارد، فقط ممکن است جزو قراین و امارات قبول شود...». با امعان نظر به مواد یادشده، باید گفت که اول، دفاتر تاجر همواره علیه تاجر صاحب سند سندیت دارد، اعم از این که مطابق قانون تنظیم شده یا نشده باشد، زیرا به‌منزله اقرار کتبی است؛ دوم، دفاتر تاجر در صورتی که مطابق قانون تنظیم شده باشد، در امور تجاری و فقط بین تاجر سندیت دارد؛ سوم، دفاتر تجاری در صورتی که مطابق قانون تنظیم شده باشد، اما طرف مقابل تاجر نباشد، می‌تواند به‌منزله قرینه یا اماره مورد استناد قرار گیرد (اسکینی ۱۳۸۹: ۲۰۲ به بعد).

ممکن است استدلال شود که منظور مقنن در ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی فقط ناظر به تاجر صاحب دفتر است. بطلان این سخن آشکار است، زیرا اول، اماره مورد اشاره در ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی مطلق است و شامل هر دو طرف دعوی است؛ دوم، چه منطقی وجود دارد که در خصوص تاجر صاحب دفتر که همه وظایف قانونی خود را در تهیه و نگه‌داری دفاتر

تجارتی انجام داده است حال که طرف قرارداد او غیربازرگان است، حق استناد به دفاتر از او سلب شود؛ سوم، اگر قابل استناد بودن دفاتر تاجر را در حد اماره علیه غیرتاجر نپذیریم، فلسفه وضع ماده حبط می‌شود، زیرا در صورت عدم قابلیت استناد علیه تاجر به‌ناچار باید معتقد بود که علیه تاجر به‌منزله قرینه یا اماره است؛ درحالی‌که پیش‌تر بیان شد که از آن‌جاکه دفاتر تاجر به‌منزله اقرار کتبی است، همواره علیه او قابل استناد است. در نتیجه، فلسفه وضع ماده چیست. از این رو، نظر اتخاذشده مؤلف محل تردید است.

۶.۴ منابع مورد استفاده و نحوه ارجاع

در ارزیابی یک اثر علمی منابع مورد استفاده و میزان اعتبار آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. به‌طور معمول، منابع مورد استفاده در متن کتاب باید به‌وضوح مشخص شود و در انتهای کتاب و در فهرست مآخذ مشخصات کامل آن‌ها برای مطالعه بیشتر درج گردد. استفاده از منابع دست‌اول و درعین‌حال معتبر بر غنای اثر می‌افزاید.

نحوه ارجاع‌دهی در کتاب ضعیف است. بسیاری از مطالب مطرح‌شده در کتاب از قبیل نظرهای موافق و مخالف یا مباحث تطبیقی ارجاعی ندارد و معلوم نیست نویسنده در بیان مطالب به چه کسانی ارجاع داده است و در نتیجه، نمی‌توان اظهار نظر دقیقی در خصوص اعتبار مطالب نقل‌قول‌شده داشت. هنگامی‌که نویسنده بدون ارجاع مطالبی را به دیگران نسبت می‌دهد خواننده نمی‌داند که آیا نظر مطرح‌شده را آن اشخاص اظهار کرده‌اند یا برداشت نویسنده چنین بوده است. حتی در مواردی که به‌طور استثنایی عبارتی از استادان حقوق تجارت (صفحه ۱۳) آورده شده است، مشخصات منبع ذکر نشده و در صورتی‌که خواننده پیش‌تر با کتاب‌های نویسندگان مختلف آشنا نباشد، به‌سختی می‌تواند به منابع مورد اشاره دسترسی پیدا کند. اگرچه منابع ذکر شده در انتهای کتاب تا حدودی از نظر کمی و کیفی قابل قبول است، یکی از ایرادهای این کتاب همین ارجاع‌ندادن در متن کتاب است.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی تولیدات علمی، به‌ویژه کتاب‌های دانشگاهی، همانند خلق اثر از اهمیت خاصی برخوردار است. نقد از فرایند تولیدات علمی است و بدون توجه به ارزیابی آثار علمی و شناخت ضعف و قوت برای اصلاح و ارتقا امکان پیشرفت علمی میسر نخواهد بود.

(سلیمان زاده نجفی و دیگران ۱۳۹۲: ۲۵). این اثر نقاط قوت و کاستی‌هایی دارد. از نقاط قوت کتاب می‌توان به طرح برخی مباحث تطبیقی و هم‌چنین استفاده از آرای قضایی، هرچند به صورت مختصر، اشاره کرد، اما کاستی‌های کتاب قابل توجه است. با وجود ادعای مؤلف در ابتدای کتاب، او نتوانسته است حتی رویه معمول در دیگر کتاب‌های حقوق تجارت را کم‌وبیش رعایت کند و بسیاری از مباحث مهم این درس در این اثر ارائه نشده و مغفول مانده است. در کنار فقدان جامعیت طرح بعضی از موضوع‌ها یا ضرورت نداشته یا بیش از اندازه به آن‌ها توجه شده است. برخی از مطالب مطرح شده با وجود ابداع نویسنده، به علت ضعف در استدلال، چندان پذیرفتنی نیست. امید می‌رود برخی ایرادها در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. آخرین مصوبه اصلاحی دوره کارشناسی حقوق در جلسه یک‌صد و دهم مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۳ شورای تحول علوم انسانی ابلاغی شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری به تصویب رسید.
۲. برخی از متخصصان اندازه‌گیری و سنجش به جای استفاده از کلمه «ارزیابی» از کلمه «ارزش‌یابی» استفاده می‌کنند و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «ارزش‌یابی به یک فرایند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل، و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود، به این منظور که تعیین شود آیا هدف‌های موردنظر تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزان» (سیف ۱۳۹۵: ۳۸).
۳. لایحه پیش‌نهادی اول در سال ۱۳۸۴ تهیه شد، ولی در مجلس مورد بررسی قرار نگرفت و لایحه دوم پیش‌نهادی نیز قبل از سال ۱۳۹۱ نهایی شد و در ۱۳۹۱/۱/۲۳ در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس تصویب گردید، ولی در شورای نگهبان تأیید نشد. اخیراً نیز متنی، البته متفاوت با دو متن قبل، در مجلس در دست بررسی است که تاکنون جلد اول آن به تصویب نمایندگان رسیده، ولی هنوز اظهارنظری از سوی شورای نگهبان اعلام نشده است.
۴. برنامه درسی بازنگری‌شده دوره کارشناسی رشته حقوق، گروه علوم انسانی، مصوب یک‌صد و دهمین جلسه، مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۳ شورای عالی تحول و ارتقای علوم انسانی.
۵. خوش‌بختانه، مؤلف محترم با اختصاص بخش اول کتاب به کلیات، همانند برخی از نویسندگان به موضوعات کلی حقوق تجارت اشاره کرده است.
۶. در همین باره، می‌توان به کتاب ورشکستگی با نگرشی نوین در قوانین ایران تألیف روح‌الله مهمان‌نوازان اشاره کرد که فقط یک‌صد صفحه از ۲۹۶ صفحه کتاب با اهداف درس منطبق است.

کتاب‌نامه

- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹)، *حقوق تجارت* (کلیات، معاملات تجاری، تجار، و سازمان‌دهی فعالیت تجاری)، تهران: سمت.
- حسن، ستوده تهرانی (۱۳۹۴)، *حقوق تجارت*، ج ۱، تهران: دادگستر.
- خزاعی، حسین (۱۳۹۱)، *مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی*، تهران: جنگل.
- رضی، احمد (۱۳۸۶)، «روش در تحقیقات ادبی ایران»، *گوهرگویا*، ش ۱.
- رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *عیار*، ش ۲۱.
- سازمان جهاد دانشگاهی (۱۳۹۰)، *راهنمای تألیف، ترجمه، و انتشارات کتاب‌های سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی* (شامل شیوه نگارش، ویرایش، طراحی، و صفحه‌پردازی)، تهران: جهاد دانشگاهی.
- سلیمان‌زاده نجفی، نیره‌السادات و دیگران (۱۳۹۲)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس سنجش مقالات نقد کتاب درسی دانشگاهی»، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ش ۳۱.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، *اندازه‌گیری، سنجش، و ارزش‌یابی آموزشی*، تهران: دوران.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۰)، *حقوق مدنی* (تشکیل قراردادها و تعهدات)، تهران: مجد.
- کاویانی، کوروش (۱۳۹۴)، *مقدمه حقوق تجارت* (حقوق تجارت ۱)، تهران: میزان.
- کمائی‌فرد، سعیده و مریم جابر (۱۳۹۱)، «انسجام متن تعاریف در کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ش ۲۶.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۸۹)، *حقوق تجارت ۱*، تهران: مجد.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴)، «شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی (بخش مقدمات کتاب)»، *عیار*، ش ۱۵.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۲)، «صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش»، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ش ۲۹.
- مهمان‌نوازان، روح‌الله (۱۳۹۳)، *ورشکستگی با نگرشی نوین در قوانین ایران*، تهران: اندیشه عصر.
- هاجری، حسین (۱۳۸۸)، «نکاتی چند درباره ویرایش متون درسی»، *عیار*، ش ۲۱.